

شهر و روستا در خاورمیانه
ایران و مصر در گذار به جهانی شدن،
۱۸۰۰-۱۹۲۰

از سری کتاب‌های لکسینگتن (۲۰۰۹)
شرکت انتشارات روان و لیتل فیلد
بریتانیا

نویسنده

دکتر محمدعلی چایچیان

ترجمه

دکتر حمیدرضا پارسی - آرزو افلاطونی



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۳۲۲۲

شماره مسلسل ۶۹۰۲

چاپچیان، محمدعلی.
شهر و روستا در خاورمیانه، ایران و مصر در گذار به جهانی شدن، ۱۹۷۰ - ۱۸۰۰ / نویسنده
محمدعلی چاپچیان؛ ترجمه حمیدرضا پارسى، آرزو افلاطونى. تهران: دانشگاه تهران.
مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۰.
ض، ۲۷۴ ص: (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۳۲۲۲).
ISBN 978-964-03-6201-3
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات نیا.
عنوان اصلی: Town and Country in the Middle East : Iran and Egypt in
the Transition to Globalization, 1800 - 1970, c 2009.
نمایه.
شهرها و شهرستان‌ها - ایران - تاریخ. شهرنشینی - ایران. شهرها و شهرستان‌ها - مصر
- تاریخ. شهرنشینی - مصر. جهانی شدن. افلاطونی، آرزو. ۱۳۳۶ - مترجم. پارسى،
حمیدرضا، ۱۳۳۶ - مترجم. دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.
۱۳۹۰ ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵ HT ۱۴۷ / ۱۶ / ۹
شماره کتابشناسی ملی

عنوان: شهر و روستا در خاورمیانه، ایران و مصر در گذار به جهانی شدن، ۱۹۷۰-۱۸۰۰

تألیف: دکتر محمدعلی چاپچیان

ترجمه: دکتر حمیدرضا پارسى - آرزو افلاطونى

ویراستار: فرشاد رضوان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۳-۶۲۰۱-۳

ISBN 978-964-03-6201-3

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجمان است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۷۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - سایت: www.press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۰۱۲۰۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

عنوان.....	صفحه
مقدمه فارسی نویسنده.....	ج
مقدمه مترجمان.....	ح
پیشگفتار.....	ذ
مقدمه.....	ز
فصل اول: مقایسه ایران و مصر: ملاحظات نظری و روش شناختی.....	۱
بخش اول: اقتصاد، سیاسی شهری و جست و جوی یک نظریه برای شهرنشینی وابسته.....	۲
بخش دوم: ایران و مصر: مقایسه غیر قابل قیاس؟.....	۲۳
فصل دوم: شهرنشینی وابسته در ایران.....	۳۵
بخش سوم: شهر و روستا در ایران پیش سرمایه داری (۱۸۸۰-۱۸۰۰).....	۳۶
بخش چهارم: توسعه سرمایه داری تجاری و شهرنشینی وابسته در ایران (۱۸۸۰-۱۹۵۳).....	۶۷
بخش پنجم: شهرنشینی وابسته در ایران: از دوران مصدق تا انقلاب ۱۹۷۹.....	۸۷
بخش ششم: توسعه ناموزون شهری و شهرنشینی شتابان در ایران: مورد تهران.....	۱۰۹
فصل سوم: شهرنشینی وابسته در مصر.....	۱۳۵
بخش هفتم: شهرنشینی در مصر دوره پیش - سرمایه داری (۱۸۸۲-۱۷۹۸).....	۱۳۶
بخش هشتم: استعمار بریتانیا و شهرنشینی وابسته در مصر (۱۸۸۲-۱۹۵۲).....	۱۵۵
بخش نهم: شهرنشینی وابسته در مصر پس از انقلاب (۱۹۷۰-۱۹۵۲).....	۱۷۱
بخش دهم: توسعه ناموزون شهری: مورد قاهره.....	۱۸۷
فصل چهارم: مسیرهای متفاوت شهرنشینی وابسته در ایران و مصر.....	۲۰۷
بخش یازدهم: شهرنشینی وابسته و توسعه در ایران و مصر: مقایسه غیر قابل قیاس.....	۲۰۸
مؤخره: جهانی شدن، نظم نوین جهان و چشم اندازهای ایران و مصر در منطقه.....	۲۳۵

مقدمه فارسی نویسنده

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی نظریات اقتصادی و جامعه‌شناسی که ریشه در نقد و تحلیل رشد سرمایه‌داری جهانی و روابط استعماری داشتند، بر اهمیت نقش استعمار در توسعه وابسته و ناموزون و همچنین "شهرنشینی وابسته" در کشورهای پیرامون تأکید ورزیدند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و همزمان ظهور نظریات فرامدرن، نوید فجر دوران جدیدی را دادند که ظاهراً بر پایه "تکثرگرانی فکری"، "ظهور قدرت مردمی" و "اقتدار رو به فزون جوامع مدنی" خصوصاً در کشورهای پیرامونی استوار است. با مطرح کردن اینکه دوران نظریات آرمان‌گرا و تجزیه و تحلیل تاریخی به سر رسیده، نظریات فرامدرن کاربرد و صحت نظریات ساختارگرایی توسعه اقتصادی وابسته و همچنین شهرنشینی وابسته را به زیر سؤال کشیدند. ولیکن همانطور که در این کتاب مطرح کرده‌ام، دوران فرامدرن، بخصوص از نیمه دهه ۱۹۷۰ به بعد رami توان ادامه بسط و توسعه هرچه بیشتر سرمایه‌داری جهانی و جهانی شدن روابط تولید و مصرف در نظر گرفت، که این خود مرحله جدیدی است از وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه. اگرچه در این کتاب من تحلیل روند شهرنشینی وابسته در ایران را با آغاز انقلاب اجتماعی ۱۳۵۷ شمسی، و در مصر با ریاست جمهوری انورالسادات و سیاست اقتصادی "درهای باز" وی خاتمه می‌دهم، می‌توان اذعان داشت که تحولات درونی بخصوص در رابطه با شهرنشینی در این دو کشور هنوز دستخوش همان مشکلات پیشین است.

در خاتمه، باید یادآوری کنم که ترجمه کتابی که در دست شماست به همت و تشویق دوست گرامی و استاد گران قدر دکتر سید محسن حبیبی امکان پذیر شده است، ولیکن برگردان روان و سلیس این کتاب را مدیون و سپاسگزار زحمات بی‌شائبه همکاران ارجمند دکتر حمیدرضا پارسی و سرکار خانم آرزو افلاطونی هستم. امیدوارم که اطلاعات و نظریات ارائه شده در این کتاب برای پژوهشگران و دانشجویان علاقمند به مباحث جامعه‌شناسی شهری کارساز و مفید باشند.

محمد علی چایچیان

مقدمه مترجمان

کتابی که پیش‌رو دارید، اثر ارزشمند آقای دکتر محمد علی چایچیان استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مونت مرسی ایالت آیووا در ایالات متحده آمریکا است. وی فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد در رشته معماری از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و دوره کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری از دانشگاه میشیگان است. ایشان مدرک دکتری جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه ایالتی میشیگان دریافت نمود. وی مقالات فراوانی درباره ایران، مصر و چین معاصر، اقتصاد سیاسی شهری و موضوع‌های مهاجرت و مناسبات نژادی نوشته است. او کتاب نخست^۱ خود را در سال ۲۰۰۶ انتشار داد. کتاب "شهر و روستا در خاورمیانه": ایران و مصر در گذار به جهانی شدن، ۱۹۷۰-۱۸۰۰^۲ دومین کتاب وی است که در سال ۲۰۰۸ به رشته تحریر درآمد.

کتاب شهر و روستا در خاورمیانه، پژوهشی است مستند و مستدل، حاوی یافته‌ها و اطلاعاتی که می‌تواند به عنوان سندی معتبر، اصلی و جدید در ارتباط با تحقیقات و بررسی‌های ایران‌شناسی، جامعه‌شناسی شهری و روستایی ایران، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای کشور، اقتصاد و سیاست مفید باشد.

مسئله مورد بررسی؛ تفاوت‌های ساختاری رشد شهر و الگوی شهرنشینی در کشورهای ایران و مصر است. نویسنده با تأکید بر شهرهای تهران و قاهره به عنوان دو نمونه از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای خاورمیانه، دو کشور ایران و مصر را دچار بیش شهرنشینی، شهرنشینی شتابان، ناموزونی در سلسله مراتب شبکه‌های شهری، نخست شهری، تراکم جمعیت و فعالیت در مراکز بزرگ شهری بدون سازگاری با شبکه شهری، وجود فاصله اجتماعی - فرهنگی بین اجتماعات روستایی و نواحی شهری، عدم رابطه درجه شهرنشینی و درجه صنعتی شدن، غلبه پنگاه‌های کوچک مقیاس در اقتصاد کشور برای توزیع کالاهای پنگاه‌های بزرگ مقیاس داخلی و خارجی، خروج نیروی کار ماهر و تحصیل کرده و دشواری‌های افزایش ظرفیت سفلی در بخش‌های تولیدی و مانند آن می‌داند.

1 - White Racism on the Western Urban Frontier: Dynamics of Race and Class in Dubuque, Iowa, 1800-2000.

2 - Town and Country in the Middle East: Iran and Egypt in the Transition to Globalization, 1800-1970

وی به منظور تحلیل تفاوت‌های ساختاری رشد شهر و الگوی شهرنشینی و ریشه‌یابی مسائلی که در بالا به آن‌ها اشاره شد به بررسی شرایط فضایی و عملکردی نظام شبکه شهری و روستایی و تحلیل‌های انتقادی و جامعه‌شناسی تاریخی دگردیسی‌های فضایی شهرها و روستاهای دو کشور ایران و مصر از اوایل قرن ۱۹ تا دهه ۱۹۷۰ می‌پردازد و از این راه به اثبات این فرضیه‌ها می‌پردازد که:

۱- شهرنشینی وابسته در شهرنشینی شتابان تجلی می‌یابد و آن در اساس بیان فضایی یک اقتصاد سرمایه‌داری وابسته است.

۲- دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و فضایی فرایند شهرنشینی وابسته را تسهیل کرده و الگوی شهرنشینی نتیجه کنش واحدهای فضایی (مانند شهرها و روستاها) و شکل‌بندی بعدی سلسله مراتب فضایی است.

۳- تولید خرده کالایی و اقتصاد سیاسی شهرنشینی وابسته اثر زیادی بر دینامیسم توسعه ناموزون فضایی و کارکرد آن برای اقتصاد سرمایه‌داری وابسته دارد

۴- اختلاف در زمانبندی ادغام در اقتصاد سرمایه‌داری در بروز الگوهای متفاوت سلسله مراتب نظام شهری و شهرنشینی علاوه بر ساختار کلی هر بخش خرده کالایی موثر است.

وی بر آن است که علت تفاوت‌های ساختاری رشد شهرنشینی و روابط شهر و روستا در ایران و مصر - با وجود شباهت‌های فراوان در مسائل آن‌ها - شرایط متفاوت جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و سیاست‌های داخلی و الگوهای متفاوت وابستگی، زمانبندی و شیوه‌های متفاوت ادغام کشورها در فرایند توسعه سرمایه‌داری و استعمار است.

نکته قابل توجه در این کتاب؛ نحوه کاربست روش تاریخی و تطبیقی در تحلیل دگرگونی‌های فضایی شهرها و روستاها است که می‌تواند به عنوان یک الگو مورد توجه پژوهشگران باشد. کاربست صحیح روش یاد شده توانسته موقعیت ایران و مصر و نحوه ادغام دو کشور در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری را شفاف‌تر کرده و مفروضات را به اثبات رساند.

در خاتمه لازم به تاکید است که نظر به بازبینی ترجمه کتاب توسط نویسنده محترم و صلاحدید وی در اضافه کردن برخی توضیحات برای خوانندگان ایرانی، در متن کتاب هر جا در میان کروشه با نشانه [- ن] مواجه شدید مربوط به اصلاحات مورد نظر نویسنده و هر جا با نشانه [- م] مواجه شدید از آن مترجمان می‌باشد. بدیهی ست با وجود بازبینی ترجمه کتاب توسط نویسنده محترم هر گونه ایرادی در ترجمه متوجه مترجمان است و راهنمایی خوانندگان عزیز که از طریق آدرس پست الکترونیک زیر ممکن است، می‌تواند ما را در چاپ‌های بعد یاری رساند.

پیشگفتار

در دهه ۱۹۷۰، زمانی که به عنوان دانشجوی دانشکده معماری دانشگاه تهران بر روی پایان‌نامه کار می‌کردم، به پویایی شناسی دگردیسی فضایی و شهرنشینی در ایران علاقه‌مند شدم. پایان‌نامه، یک پروژه گروهی بود که من با همکار و دوست خوبم مهندس کامران عطایی^۱ که در حال حاضر معمار اصلی و برنامه‌ریز شهری یکی از شرکت‌های مهم معماری در تهران است، مشترکاً با هم روی آن کار می‌کردیم. پروژه، یک طرح جامع^۲ برای شهر بابل^۳ در استان مازندران در کنار دریای خزر^۴ بود که طی سه سال ما را درگیر سفرهای فراوان، مشاهدات، ساعت‌های بی‌شمار بحث و مطالعه پروسس و تفسیر مجدد اسناد و یادداشت‌های مطالعه میدانی کرد. پروژه، شامل یک مطالعه جامع از جمعیت شهر و حومه آن، الگوهای مهاجرت روستا به شهر، و برنامه تفصیلی معماری برای باززنده‌سازی^۵ مرکز شهر بابل بود. در اواخر دهه ۱۹۷۰ هنگامی که من در دانشگاه میشیگان^۶ برنامه‌ریزی شهری می‌خواندم، متوجه شدم که بین جوامع صنعتی پیشرفته و ملل در حال توسعه، هم از جنبه تاریخی و هم ساختاری، تفاوت‌های آشکاری از نظر شیوه‌های درهم تنیدگی^۷ شهر و روستا همچنین فرایندهای رشد شهر و شهرنشینی، وجود دارد. این آگاهی نظری موجب بازگشت من به زمینه جامعه‌شناسی شهری، به ویژه تحلیل انتقادی جامعه‌شناختی از دگردیسی‌های فضایی موجود در بستر تاریخی - تطبیقی شد.

این کتاب، به دگردیسی شهری و روستایی دو ملت جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا، یعنی، ایران و مصر در ارتباط با وابستگی اقتصادی و سیاسی ریشه‌دار^۸ آنها در چارچوب یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، با نظام‌های استعماری غرب می‌پردازد. این یک بررسی تاریخی از رویارویی میان شهر و روستا در این دو ملت، از اوائل - تا - نیمه قرن ۱۹ تا دهه ۱۹۷۰ است؛ دهه‌ای که مرحله نوین جهانی شدن به تدریج پویایی‌شناسی مهاجرت و شهرنشینی را به ویژه در کشورهای در حال توسعه، تغییر داد. در سه دهه گذشته، نظریه‌های فرامدرن^۹، ظاهراً مناسبات قدرت نامتمرکز در سطح جهانی،

1. Kamran Atai
2. Master Plan
3. Babol
4. Caspian Sea
5. Revitalization
6. University of Michigan
7. Interrelated
8. Long - established
9. post- modern

چند فرهنگ‌گرایی،^۱ و فجر "قدرت مردم" و "جوامع مدنی" را علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه ستایش کرده‌اند. اما در این کتاب من این قضیه را بسط خواهم داد که دوره بعد از دهه ۱۹۷۰ را باید به عنوان مرحله دیگر توسعه سرمایه‌داری جهانی در نظر گرفت که تسهیل‌کننده کنترل اقتصادی و سیاسی کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا بر ملل در حال توسعه است.

تحلیل تاریخی و مستندات من [در این کتاب - م] بر تلاش‌های جمعی از محققان و نویسندگانی استوار است که یافته‌ها و کمک‌های فکری آنها چراغ راهنمای من بوده است. در ضمن من به دلیل تشویق‌ها و بازخوانی دست‌نویس اصلی متن مدیون همکاران و دوستانم: دکتر آیمین آمر^۲ به خاطر خواندن بخش مربوط به مصر و حمایت من با اطلاعات بهنگام و پیشنهادات ارزنده برای پالایش تحلیل‌هایم؛ دکتر مسعود خیرآبادی^۳ به خاطر بازبینی دست‌نوشته نهایی و توصیه‌های سازنده‌اش؛ لیندا اسکارث^۴ و مارلین مورفی^۵ به خاطر حمایت صمیمانه و صرف ساعت‌های بی‌شمارشان برای جایگذاری اسناد به سختی به دست آمده و اصلاح نقشه‌ها و تصاویر؛ و دکتر کنت هال^۶ به خاطر پیشنهادهای موشکافانه‌اش در بازبینی عنوان کتاب تا آنجا که با محتوای کتاب هماهنگی شود. تشکر و سپاس خاص من همچنین نثار پاتریک دیلون^۷ و مایکل سیسکین^۸ ویراستاران مجموعه کتاب‌های لکسینگتن به خاطر حمایت، صبر، پشتکار و پیشنهادات متفکرانه و سازنده آنهاست که به میزان زیادی به کیفیت و انتشار به موقع کتاب کمک کرد. در آخر، از کارکنان بخش تولید در لکسینگتن بوکز^۹ به ویژه مایکل ویلز^{۱۰} تشکر می‌کنم که مرا در اصلاح دست‌نوشته و در نهایی کردن نقشه‌ها و تصاویر برای تولید نهایی، یاری نمود.

نیازی به گفتن نیست که تنها من مسئول محتوای کتاب هستم؛ هم از حیث ارائه و هم تفسیر داده‌ها.

1. Multiculturalism

2. Ayman Amer

3. Masoud Kheirabadi

4. Linda Scarth

5. Marilyn Murphy

6. Kenneth Hall

7. Patrick Dillon

8. Michael Sisskin

9. Lexington Books

10. Michael Wiles

مقدمه

مطالعه نظام‌مند ریشه‌های تاریخی شهرنشینی وابسته در خاورمیانه به طور کلی و در ایران و مصر به طور خاص، مدت‌هاست به تعویق افتاده است. من در این کتاب به ویژه به تجلیات اجتماعی - فضایی شهرنشینی وابسته در ارتباط با ادغام ملل در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی در عصر جهانی شدن، علاقه‌مندم. اگرچه جهانی شدن پدیده جدیدی نیست، دوره نوین جهانی شدن را می‌توان به مثابه "همسویی نزدیک‌تر کشورها و مردم جهان تعریف کرد که از طریق کاهش جدی هزینه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات، شکستل موانع مصنوعی بین مرزی جریان کالاها، خدمات، سرمایه، دانش، و (به میزان کمتر) مردم، پدید آمده است".^۱ (استیگ‌لیتز، ۲۰۰۲: ۱۰-۹). دیوید هاروی^۲ (۱۹۹۰)، در کتاب خود به نام "شرایط پست مدرنیته" نیز دو دوره تاریخی متمایز شیوه تولید و مصرف اقتصادی را با عنوان، پیش از ۱۹۷۳ "دوره فوردیست - کیلزی"^۳ و دوره "تولید منعطف پست مدرن" از ۱۹۷۳ تاکنون، مشخص می‌کند. اگرچه هاروی دوره بعد از ۱۹۷۳ یعنی دوره تولید منعطف را به عنوان عصر نوین جهانی شدن به حساب نمی‌آورد، با وجود این، تحلیل انتقادی او متضمن زمینه‌ایست که با آن می‌توان نظریه‌های جهانی شدن، را فهمید. او گذار از اولین دوره به دوره دوم را، تحت عنوان "گذار در رژیم انباشت"^۴ [سرمایه] و شیوه تنظیم اجتماعی و سیاسی^۵ ملایم با آن در نظر می‌گیرد (همان، ص ۴-۱۲۱). تولید دوره "فوردیستی" با تولید انبوه صلب، استاندارد کردن کالاها، انبار کردن انبوه وسایل یدکی^۶، شرکت‌هایی با ساختارهای سلسله مراتبی عمودی، نیروی کار غیرماهر و به رشدی که فقط برای انجام یک وظیفه آموزش دیده‌اند اما قدرت چانه‌زنی جمعی دارند، و دولتی تنظیم کننده^۷ که نوسانهای خصوصیات تولید و مصرف را از طرق سیاست‌های غیرمستقیم کنترل قیمت و درآمد

1. Stiglitz

2. David Harvey

3. Fordist - Keynesian

4. The Regime of Accumulation

5. Mode of Social and Political Regulation

6. Inventories

7. Regulating state

نظارت می‌کند، مشخص می‌گردد. در مقابل، تولید منعطف بر اساس تولید "در سطح کوچک"^۱، و به حداقل رسانیدن و انبار کردن انبوه وسایل یدکی؛ پویش تولید نامتمرکز که بر پیمانکاری دست دوم^۲ و برون‌سپاری کار^۳ استوار است. تولید منعطف همچنین با یک نیروی کار دو لایه غیرماهر دو - شغله^۴ و نیروی کار چند - شغله ماهر^۵ با حداقل نیروی چانه‌زنی جمعی؛ و یک اقتصاد به تنظیم درنیامده^۶ مورد حمایت یک دولت کارگزار^۷ که هنگام به خطر افتادن اقتصاد سرمایه‌داری به علت کاهش نرخ سود، مستقیماً دخالت می‌کند؛ مشخص می‌شود (سواين گدو، هاروی، ۱۹۹۰: ۷۹-۱۷۷).

با بهره‌گیری از مدل دومرحله‌ای تولید سرمایه‌داری جهانی دیوید هاروی، من ماهیت اقتصاد سیاسی دو ملت [ایران و مصر] و میزان ادغام^۸ آنها در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را در مرحله اول، یعنی از سال‌های ۱۸۸۰ تا سال‌های ۱۹۷۰ را مورد تحقیق قرار می‌دهم. فرایند ادغام در اولین مرحله، برحسب نیروهای اجتماعی داخلی، مانند تضادها و مبارزه بر سر کسب کنترل قدرت دولتی که تأثیری قاطع بر ماهیت و درجه ادغام دارد، از یک ملت پیرامونی تا ملتی دیگر عمیقاً متفاوت است. در این چارچوب، پس به بررسی این موضوع^۹ می‌پردازم که آیا الگوهای متفاوت وابستگی، مانند وابستگی به صادرات مواد خام و یا محصولات کشاورزی؛ همراه با پیوندهای پیشین^{۱۰} و پسین^{۱۱} بین اقلام اصلی صادرات و باقی اقتصاد ملی؛ و زمان‌بندی و شیوه‌های متفاوت ادغام [در اقتصاد جهانی-ن] به الگوهای متفاوت مهاجرت روستا - شهری و "شهرنشینی شتابان"^{۱۲} در ایران و مصر کمک کرده است یا نه.^۱ من اولین مرحله از ادغام را به عنوان همپویی فرآیندهای تولید محلی با تقسیم جهانی کار ناشی از نیاز نظام جهانی سرمایه‌داری برای بسط و انباشت سرمایه، می‌بینم. این تا اندازه‌ای از طریق بسط سرمایه‌داری تعیین می‌شود که در پی اهداف خاصی مانند موارد زیر است:

(۱) تملک بی‌واسطه^{۱۳} منابع مهم تولید مانند زمین، منابع معدنی و دیگر مواد خام؛

1. Small batch
2. Subcontract
3. Outsourcing
4. Two - tiered unskilled
5. Skilled Multi - Tasking Labor force
6. Entrepreneurial State
7. Incorporated
8. Forward Linkage
9. Backward Linkage
10. Hyper-urbanization
11. Immediate Possession

۲) آزادسازی نیروی کار از اقتصاد ارضی پیش سرمایه‌داری و انقیاد آنها در خدمت سرمایه؛

۳) ورود یک اقتصاد کالایی در اقتصاد پیش سرمایه‌داری کشورهای پیرامونی؛

۴) جدا کردن تجارت از کشاورزی.

دلیل منطقی انتخاب ایران و مصر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنها در ارتباط با تاریخ درگیری آنها در تجارت بین‌المللی و ادغام نهایی متعاقب آن در نظام جهانی سرمایه‌داری است. از جنبه شباهت‌ها، هم ایران و هم مصر، هر دو، از تاریخی طولانی برخوردارند، موردی که چایلد^۱ (۱۹۶۴) آن را "تمدن شهری هوشمند"^۲ می‌نامد. دوم آنکه، در شرایط کنونی، هر دو ملت از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین ملل در خاورمیانه هستند و از تاریخ طولانی شهرنشینی برخوردارند. سوم آنکه، در رابطه با شهرنشینی پیش استعماری، هر دو کشور پس از ادغام در نظام سرمایه‌داری جهانی، تمرکز بیش از حد جمعیت و عواقب آن مانند توسعه ناموزون اقتصادی و فضایی را (اگرچه در مقاطع تاریخی متفاوت) در چند کلان‌شهر خود تجربه کرده‌اند. برای مثال، براساس گزارش سازمان ملل متحد از ۱۶ شهر دارای بیش از یک میلیون نفر ساکن در خاورمیانه و مناطق شمال آفریقا، فقط ۳ شهر در سال ۲۰۰۰ جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر داشتند - قاهره، تهران و استانبول - (سازمان ملل متحد - هیئتات، ۲۰۰۴: ۱). در نهایت، در شرایط کنونی سازمان اقتصادی هر دو کشور بر ترکیب توسعه سرمایه‌داری خصوصی و دولتی استوار است، که به نوبه خود به واسطه تقاضای بازار بین‌المللی تحت تاثیر شرکت‌های چندملیتی قرار گرفته‌اند. از جنبه تفاوت‌ها، اصلی‌ترین تفاوت، ادغام دو جامعه در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی در شرایط متفاوت تاریخی است: در حالی که مصر بدل به یک مستعمره بریتانیا شد؛ ایران هرگز حاکمیت داخلی خود را از دست نداد و بنابراین نوع متفاوتی از وابستگی را تجربه کرد. علاوه بر آن، وابستگی اقتصادی ایران بر پایه تولید نفت بوده، و بر همان اساس تداوم یافت: در حالیکه [آنچه در مورد] مصر [رخ داد] از طریق کشت پنبه و تولید پنبه با الیاف بلند^۳ برای بازارهای جهانی، صورت گرفت که تا دهه ۱۹۵۰ کالای غالب صادراتی آن بود (چاپچیان، ۱۹۸۸).

در رابطه با شهرنشینی شتابان، پژوهش تطبیقی شهری کلاً از نبود یک چارچوب نظری بسط یافته رنج برده است؛ چارچوبی که امکان بررسی میان فرهنگی فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملازم با رشد سریع و بی‌رویه شهری در شهرهای اصلی "جهان سوم"^۴ را برای محققان امکان‌پذیر

1. Childe

2. Literate urban Civilization

3. Long-staple cotton

کند. در زمینه جامعه‌شناسی شهری، دو اردوگاه کاملاً متمایز نظری وجود دارد. نظریه‌های تجدیدگرایی^۱ که شهرنشینی شتابان را به رشد بی‌رویه جمعیت، مهاجرت از روستا به شهر، و ناتوانی "کشورهای جهان سوم" در سازگاری با طرح‌های غربی صنعتی کردن، نسبت می‌دهند. در نقد این مفروضات، طرفداران اقتصاد سیاسی نو مارکسیست بحث می‌کنند که مسئله شهرنشینی شتابان، نشانه "وابستگی" یا سرمایه‌داری "حاشیه‌ای یا پیرامونی" است.^{۱۱} اما قطع نظر از اینکه چه عاملی موجب آنست، عواقب شهرنشینی شتابان را می‌توان با فقر گسترده، ازدیاد حلیی آبادها، دستمزدهای پایین در بخش صنعتی، بیکاری، اشتغال ناقص، بادرکردگی بخش سوم یا خدمات، و وجود یک بخش عظیم غیررسمی در اقتصاد شهرها^{۱۲}، تعریف کرد.

کتاب در چهار فصل سازمان یافته است. فصل اول مشتمل بر دو بخش است. در بخش اول فرض من آن است که شهرنشینی وابسته در شهرنشینی شتابان تجلی می‌یابد که در اساس، بیان تضایی یک اقتصاد سرمایه‌داری وابسته است. در بخش دوم، من با استفاده از مستندات تاریخی و تحلیل تطبیقی، برای مطالعه شهرنشینی در کشورهای پیرامون سه مرحله تاریخی طولانی را شناسایی می‌کنم: (۱) توسعه‌های سیاسی و اقتصادی پیش استعماری (۱۸۰۰ تا سال‌های ۱۸۸۰؛ ۲) رخنه‌سازماندهی و سلطه استعماری (از سال‌های ۱۸۸۰ تا سال‌های دهه ۱۹۵۰؛ و ۳) سلطه نو استعماری که از طریق سرمایه‌گذاری سودورزانه و کنترل فرایند صنعتی شدن جانشین - واردات از راه شرکت‌های چندملیتی (سال‌های ۱۹۵۰ تا سال‌های دهه ۱۹۷۰)، عمل می‌کند.^۷

فصل دوم و سوم، به مستندات تاریخی و تحلیل دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و تضایی که فرایند شهرنشینی وابسته را در دو کشور [ایران و مصر - م] تسهیل کردند، اختصاص دارد. بخصوص، تمرکز من بر "الگوهای شهرنشینی" است که نتیجه کنش متقابل واحدهای فضایی مانند شهرها و روستاها، و شکل‌بندی بعدی سلسله‌مراتب شهری فضایی است. در ضمن در پی آن به بررسی اقتصاد سیاسی شهرنشینی وابسته و تولید خرده‌کالایی در ایران و مصر می‌پردازم. با تمرکز بر تهران و قاهره به عنوان دو مرکز شهری بسیار مهم، به بررسی پویایی شناسی توسعه ناموزون فضایی و کارکرد آن برای حفظ اقتصاد سرمایه‌داری وابسته در این دو کشور خواهم پرداخت. بخش‌های سه تا شش و هفت تا ده، دربردارنده تحلیلی نظام‌مند از تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و فضایی در ایران و مصر از سال ۱۸۰۰ تا دهه ۱۹۷۰ است. در هر فصل، من مناسبات میان شهر و روستا را در دوره

پیش سرمایه‌داری، و شرایط تاریخی که راه توسعه سرمایه‌داری و شهرنشینی وابسته را در ایران و مصر سنگفرش کرد، مورد ارزیابی قرار می‌دهم. بخش شش و ده، به تحلیل تاریخی شرایط اجتماعی اقتصادی که به شکل‌گیری "شهرنشینی شتابان" کلان‌شهرهای تهران و قاهره کمک کرده است، اختصاص دارد. به ویژه، من یک جنبه مهم اقتصاد شهری در کشورهای پیرامون را؛ به طور مشخص، ساختار اشتغال بخش تولید خرده‌کالایی در تهران و قاهره؛ مورد ارزیابی قرار می‌دهم. از آنجا که تولیدکنندگان خرده‌کالایی به عنوان فراورده‌فرعی تاریخی فرایند شهرنشینی وابسته در نظر گرفته می‌شوند؛ به دقت به بررسی مقولات شغلی در این بخش مانند فعالیت‌های صنعتی کوچک مقیاس، صنعتگران مستقل و تأمین‌کنندگان خدماتی که توزیع کالاهای مصرف‌کنندگان را در بازار تسهیل می‌کنند، می‌پردازم.

در نهایت، در فصل چهارم (بخش ۱۱) در رابطه با تاریخ منحصربه‌فرد هر کدام از کشورهای ایران و مصر از جنبه فرایندهای داخلی و بیرونی دگرگونی اجتماعی، تحلیلی تطبیقی از شهرنشینی وابسته در ایران و مصر ارائه می‌کنم. یافته‌های من در این کتاب نشانگر آن است که انواع گوناگون وابستگی به اختلاف در زمان‌بندی تاریخی اولین مرحله ادغام دو ملت در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی کمک کرده است. به ویژه، بین آغاز فرایند شهرنشینی وابسته در ایران و مصر یک اختلاف زمانی فاحش وجود داشته که در بروز الگوهای متفاوت در سلسله مراتب نظام شهری و شهرنشینی و همچنین ساختار شغلی بخش خرده‌کالایی شهری کشور، منجلی می‌شود. برای نمونه، من با تمرکز بر تهران و قاهره به عنوان پایتخت‌های دو کشور نتیجه می‌گیرم که توسعه اجتماعی فضایی تهران در سال‌های پس از ۱۹۲۰ با همین توسعه در قاهره دوره پس از اشغال و سلطه بریتانیا و استعمار مصر در ۱۸۸۲ قابل قیاس است.

با بهره‌گیری از مدل هاروی (۱۹۹۰)، یافته‌های این مطالعه نشانگر آنست که ایران و مصر در سال‌های نیمه دهه ۱۹۷۰ کاملاً در مرحله اول یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی ادغام شده بودند؛ اما از آن زمان تاکنون به درجات گوناگون، از سازگاری با تقاضاهای نظام‌مند فرایند جهانی شدن بعد فوردیستی (دومین مرحله)، سر باز زده‌اند. بحث من آنست که شهرنشینی وابسته در هر دو کشور نقش مهمی در جابه‌جایی جمعیت روستایی و کشتادن مهاجران به مراکز شهری عمده داشته است؛ و مهاجران روستا به شهر به طور عمده، تمام تلاش‌های نخبگان حاکم را برای تکمیل مرحله دوم ادغام،

ص شهر و روستا در خاورمیانه

از طریق خواست دگرگونی‌های اجتماعی بنیادین به چالش کشیده‌اند. آبراهامیان^۱ (۱۹۸۲: ۵۳۰-۵۳۷) همین تحلیل را از طریق بررسی پایه‌های شهری انقلاب ۱۹۷۹ ایران، و دِنو^۲ (۱۹۹۳، ۱۵۴-۱۵۶) از طریق بررسی شبکه‌های اجتماعی و مذهبی شهر - مبنای^۳ در مصر و نقشی که آنها به عنوان عوامل دگرگونی اجتماعی و نیروهای مقاومت در برابر جهانی شدن بازی می‌کنند، [در تحقیقات خود درباره جنبش‌های اجتماعی ایران و مصر ارائه داده‌اند - ن.ا].

www.ketab.ir

1. Abrahamian

2. Denoeux

3. Urban - based

یادداشت

- I. در بررسی تأثیرات یک فعالیت اقتصادی بر بخش‌های دیگر، هیرشمن (۱۹۵۸: ۹۸ - ۱۱۹) بین "آثار پیوند پیشین" و "آثار پیوند پسین" تمایز قائل است. (در مباحث اقتصادی پیوند پیشین اشاره بر تأثیر ساختاری یک فعالیت خاص بر روند تولید و مصرف در بقیه اقتصاد جامعه است. به عنوان مثال، اثرات "پیوند پیشین" صنعت خودرو سازی احداث راه و شاهراه، توسعه تعمیرگاه‌های خودرو و احداث جایگاه‌های فروش بنزین است. واژه پیوند پسین اشاره بر نیاز به تولید و نهاده‌های اقتصادی دارد که باید قبل از راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی خاص، وجود داشته باشد. اگر صنعت خودروسازی را دوباره مثال بزنیم، باید صنایع پتروشیمی، لاستیک‌سازی، الکترونیک، ساخت موتور و سایر وسایل مورد نیاز، توسعه پیدا کنند تا این صنعت قادر به تولید باشد- ن برای بحث تفصیلی مفاهیم نگاه کنید به بخش ۱.
- II. نگاه کنید به والتون، ۱۹۷۶: ۳۰۲؛ صفا، ۱۹۸۲: ص ۳. مفهوم "جهان سوم" که مدت‌هاست به عنوان یک تعریف غیرتاریخی و بی‌معنا مورد شمرده شده است همه آن کشورهایی را شامل می‌شد که در مدار توسعه وابسته تحت حمایت یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی دچار وضعیت متناقضی شده‌اند. همان‌طور که در بخش ۱ بحث خواهم کرد، ملل "جهان سوم" در برابر کشورهای سرمایه‌داری که اقتصاد سرمایه‌داری جهانی را کنترل می‌کنند و یا "مرکز" محسوب می‌شوند، کشورهای "پیرامون یا حاشیه" نام می‌گیرند.
- III. نگاه کنید به کاستلز، ۱۹۸۰؛ مک گی، ۱۹۷۱؛ مین گیون، ۱۹۸۱؛ اسلاتر، ۱۹۷۸.
- IV. نگاه کنید به والترز و دیگران، ۱۹۸۰.
- V. صنایع جانشین- وارداتی صنایع تولید کالاهای مصرفی روزمره از قبیل مواد غذایی و بهداشتی و غیره هستند که توسط قدرت‌های استعماری (غربی) در کشورهای تحت سلطه و در حال توسعه راه‌اندازی می‌شوند. از آن جا که ماشین‌آلات تولیدی در این صنایع ساخت کشورهای استعماری هستند، این صنایع همواره کشورهای در حال توسعه را به کشورهای استعماری نگه می‌دارد.